

تألیف قلوب؛ مفهوم، قلمرو و کاربست آن در وضعیت معاصر

دریافت: ۹۵/۱/۱۶ تأیید: ۹۵/۳/۲۵ سیدمصطفی میرمحمدی* و محمدحسین شریفی**

چکیده

زکات یکی از مهمترین فروع مالی دین مبین اسلام است که در آن حمایت از اقشار آسیب پذیر و تقویت دین اسلام هدف گذاری شده است. «تألیف قلوب» به عنوان یکی از موارد مصرف زکات، ریشه در قرآن دارد و هدف از پیش بینی این نهاد، همدلی و جست و جوی روابط دوستانه و نیز جلب همکاری در حفظ صلح و امنیت جوامع اسلامی است. مفهوم و قلمرو تألیف قلوب و نیز چگونگی کاربست آن در زمان معاصر از جمله مسائلی است که نیازمند پژوهش است و تحقیق حاضر با رویکرد فقه تطبیقی به این مسائل می پردازد. برآیند مقاله این است که «تألیف قلوب» مفهومی گسترده دارد که هدف آن از یک سو جلب همدلی افراد صاحب رأی و نفوذ برای همراهی و همکاری با جوامع اسلامی است و از سوی دیگر، تقویت باورهای دینی و مکتبی مسلمانان در آن پیش بینی شده است. جست و جوی راههای همدلی با جوامع اسلامی هم اکنون نیز در قلمروهای صلح و امنیت، دعوت و تبلیغ اسلامی و حمایت از فعالیت های علمی و فرهنگی قابل تطبیق است.

واژگان کلیدی

زکات، تألیف قلوب، فقه تطبیقی، فقه سیاسی، کمک های بشردوستانه، جهاد و دفاع

* مدرس حوزه، استادیار دانشکده حقوق دانشگاه مفید قم، mostafa.mirmohammadi@gmail.com

** پژوهشگر، سطح سه حوزه و استاد مدعو جامعه المصطفی العالمیه، m.h.sharify@gmail.com

مقدمه

زکات یکی از مهمترین نهادهای مالی در اسلام است که هدف آن حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و کم‌کردن فاصله طبقاتی میان اقشار یک جامعه است. با تأمل در کارکردهای زکات در آموزه‌های اسلام به خوبی می‌توان دریافت که هدف این برنامه اقتصادی و مالی، حمایت از جامعه اسلامی در کل از یک سو و تقویت روابط دوستانه میان جوامع اسلامی و غیر اسلامی از سوی دیگر است. فقهای همه مذاهب اسلامی یکی از موارد هشت‌گانه مصرف زکات را عنوان «تألیف قلوب» دانسته‌اند. این واژه را می‌توان نزدیک به مفاهیم همبستگی، تحکیم و تقویت روابط دوستانه در ادبیات کنونی سیاسی و حقوقی معاصر دانست. پیش‌بینی کارکردهای زکات در درون جوامع اسلامی و در روابط خارجی و بیرونی نشان از پویایی و ظرفیت‌های فقه اسلامی در پاسخ به نیازهای جامعه اسلامی در هر عصر و زمان دارد.

مقاله حاضر ضمن مروری بر مفهوم و قلمرو عنوان «تألیف قلوب» در نظر دارد با روش توصیفی و تحلیلی ابعاد و عملکرد این کاربست از زکات را از منظر فقه تطبیقی و فقه سیاسی بررسی و تحلیل کند. پرسش‌های چندی در این باره وجود دارد:

۱. مفهوم و گستره تألیف قلوب چیست؟
۲. رویکرد مذاهب مختلف فقهی درباره تألیف قلوب چیست؟
۳. در عصر حاضر چگونه می‌توان از این ظرفیت فقه اسلامی در جهت منافع جوامع اسلامی بهره برد؟

با هدف بررسی و پاسخ به پرسش‌های فوق، مقاله حاضر به روش تطبیقی، نخست به مفهوم و گستره تألیف قلوب از بُعد زمان و نقطه نظر افراد می‌پردازد. سپس چگونگی کاربست این مفهوم را در وضعیت کنونی روابط میان جوامع اسلامی و دیگر جوامع بین‌المللی تبیین خواهد کرد.

مفهوم و قلمرو تألیف قلوب

در مفهوم تألیف قلوب و قلمرو و ابعاد آن اتفاق نظر وجود ندارد. برخی دامنه

شمول آن را از حیث افراد عام دانسته و شامل غیر مسلمان و مسلمان هر دو می‌دانند و در مقابل، برخی آن را فقط شامل غیر مسلمان می‌دانند. از بُعد زمان نیز برخی حکم تألیف قلوب را منحصر در زمان پیامبر ﷺ دانسته‌اند، اما در مقابل، بسیاری این حکم را مستمر دانسته و در عصر حاضر نیز قابل اجراء می‌دانند.

مفهوم لغوی و اصطلاحی تألیف قلوب

«تألیف قلوب» ترکیبی از دو واژه تألیف و قلوب است. در لغت «تألیف» به معنای «به هم آمدن دو یا چند چیز»، «سازگار کردن» و «انضمام و ترکیب دو چیز با یکدیگر؛ به گونه‌ای که یکی به حساب آید» آمده است. علاوه بر آن در معنای لغوی «تألیف»، انس و الفت و همپیمانی و ائتلاف وجود دارد که امروزه نیز بکار می‌رود (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۹۳-۸۷؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۳۳۲-۱۳۱۳). سوره ایلاف و آیات آغازین آن: «لِإِيْلَافِ قُرَيْشٍ إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ»، به معنای همپیمانی میان قریشیان ساکن مکه و ساکنان مسیر تجاری شام و یمن اشاره دارد که بر اساس آن مسافرت‌های تجاری تابستانه و زمستانه و نیز امنیت شهر مکه تضمین می‌شد. بنابراین، در معنای «تألیف» اتحاد، همدلی و ائتلاف برای همکاری مشترک وجود دارد.

«قلوب» که مفرد آن قلب است، در لغت به معنای دگرگونی و وارونه است و از آن جهت به عضو تپنده بدن انسان و حیوان قلب گفته‌اند که وارونه قرار گرفته است و یا دگرگونی در آن بسیار است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۱). قلب به عنوان عضوی از بدن انسان همواره به معنای مرکز احساسات و عواطف و تصمیم‌گیری بشری نیز تعبیر شده است و در معانی متعددی؛ مانند عقل و خرد، (ابن منظور، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۸۷) روح، علم و شجاعت نیز بکار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۸). در قرآن نیز «قلب» در معانی استعاری مختلفی بکار رفته است، از آن جمله است، صاحب عقل و درک (صاحب‌دل): «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ» (ق: ۵۰): ۳۷، مرکز عواطف و احساسات: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۳): ۱۵۹، باطن و باور درونی انسان: «وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ» (بقره: ۲): ۲۰۴، دیدگاهها و رأی و نظر:

«تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» (حشر (۵۹): ۱۴)، روح و نفس انسانی: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ» (شعراء (۲۶): ۱۹۴-۱۹۳).

ترکیب «تألیف قلوب» نیز در قرآن آمده است که نزدیک‌ترین معنای آن را می‌توان در ادبیات فارسی «همدلی» و «پیوندهای عاطفی» دانست: «إِذْ كُنْتُمْ أَغْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران (۳): ۱۰۳). گاه این ترکیب در معنای به‌هم‌آوردن و جمع‌کردن افراد و اجزای پراکنده است: «لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» (انفال (۸): ۶۳). همچنین آیه مورد بحث این تحقیق که یکی از موارد مصرف صدقات را «مؤلفه قلوبهم» و همدلان دانسته است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ» (توبه (۹): ۶۰) که در ادامه به قرائت‌های تفسیری و فقهی و دایره شمول آن خواهیم پرداخت.

در تعریف اصطلاحی و فقهی، «مؤلفه قلوبهم» افرادی هستند که به آنان سهمی از زکات پرداخت می‌شود تا به اسلام گرایش پیدا کنند یا در اسلام خود ثابت بمانند یا مسلمانان از شر آنان در امان بمانند یا امید رود که از مسلمانان پشتیبانی کنند و یا در منازعات به مسلمانان یاری رسانند. به دیگر سخن، پرداخت سهمی از زکات برای همدل و همپیمان شدن آنان با جامعه اسلامی و مسلمانان هدف تألیف قلوب است (غفیلی، ۱۴۳۰ق، ص ۳۹۵-۳۹۳؛ زحیلی، ۲۰۱۲م، ج ۳، ص ۲۱-۲۰). با استفاده از متون مختلف فقهی و تفسیری، افراد مشمول در عنوان تألیف قلوب را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. غیر مسلمانانی که گرایش و تمایل به اسلام دارند.
 ۲. غیر مسلمانانی که در زمان جنگ مایل به جهاد و دفاع از مسلمین هستند.
 ۳. غیر مسلمانانی که با مساعدت‌های مالی مسلمانان از شر و زیان آنان ایمن خواهند بود.
 ۴. مسلمانانی که در باورهای اسلامی محکم و استوار نیستند.
 ۵. مسلمانانی که با دریافت کمک مالی در جنگ و دفاع، همراه و همدل خواهند بود.
- مرحوم «صاحب جواهر» بعد از بررسی اقوال مختلف فقهای شیعه در خصوص

انواع افراد داخل در «مؤلفه القلوب» می‌گوید: «این عنوان عامی است که مقصود از آن همراه کردن غیر مسلمانان (کفار) با اسلام و همکاری در جهاد است و یا هدف، تقویت مسلمانانی است که در باورهای خود ضعیف‌اند» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۳۳۹). مطابق این جمع‌بندی همه اصناف پندگانه فوق می‌تواند در عنوان تألیف قلوب قرار گیرد؛ زیرا این موارد حصری نیستند و ممکن است به تناسب زمان مصادیق آنها تغییر کنند.

«علامه طباطبایی» در تفسیر آیه ۶۰ سوره توبه «مؤلفه قلوبهم» را افرادی می‌داند که با پرداخت سهمی از زکات می‌توان آنان را برای اسلام آوردن یا دفاع در برابر دشمنان و یا یاری‌جستن از آنان در نیازهای دینی، همدل و همسو کرد. عنوان «مؤلفه قلوبهم» تمام کسانی را که با تشویق مالی، از آنها به نفع اسلام و مسلمین جلب محبت می‌شوند، در بر می‌گیرد و دلیلی بر تخصیص آن به کفار نیست (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۹). بنابراین، اسلام برخلاف نیات استعمارگران، از طریق کمک‌های اقتصادی در پی اهداف استعماری نیست، بلکه با حل مشکلات اقتصادی جوامع و با قصد الهی، با استدلال و راهنمایی مناسب، مکتب خود را توسعه می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۹۰).

در برخی از روایات وارده، شمول «تألیف قلوب» به مسلمانانی که در شرایطی قرار گرفته‌اند که معارف نبوی ۹ به آنان نمی‌رسد، تأیید شده است. امام باقر ۷ مصداق «الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ» را کسانی معرفی کردند که به یکتایی خداوند باور داشته‌اند و غیر او را نمی‌پرستیدند، اما قلوب آنان به رسالت پیامبر اسلام به طور کامل آگاه نشده بود. از این رو، پیامبر ۹ از طریق تألیف قلوب، بر آگاهی و معرفت آنان افزود. از روایت «قَوْمٌ وَحَدُّوا اللَّهَ...» استفاده کرده‌اند که تألیف قلوب، فقط مربوط به غیر مسلمانان نیست، بلکه شامل آن دسته از موحدان و دین‌باورانی خواهد بود که هنوز در عقیده خود استوار و ثابت قدم نیستند و یا از معارف دینی خود به میزان لازم آگاهی ندارند (نراقی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۲۷۶). در روایتی دیگر از امام صادق ۷ اصحاب نزدیک آن حضرت پرسیدند آیا همه گروه‌ها و افراد نامبرده در آیه شصتم سوره توبه از زکات بهره خواهند برد، حتی اگر آگاه به معارف (دینی و مکتبی) نباشند؟ امام فرمود: ...فرق میان آنکه از

معرفت (دینی و مکتبی) برخوردار است با آنکه نیست، باید مشخص شود، به آنان که از معرفت و آگاهی لازم برخوردار نیستند، باید سهمی پرداخت کرد تا به دین گرایش پیدا کنند و در آن ثابت بمانند. امام صادق 7 در همین حدیث تصریح فرمود که سهم مؤلفه القلوب عام است. بنابراین، تألیف قلوب منحصر در غیر مسلمان نیست، بلکه شامل مسلمان هم خواهد بود (همان، ص ۲۷۴).

قلمرو تألیف قلوب از حیث افراد

چنانکه در مفهوم تألیف قلوب اشاره شد، گستره و دامنه شمول افرادی که می‌توان آنان را در این عنوان جای داد مورد اتفاق نیست. بنابراین، جا دارد از منظر فقه تطبیقی دیدگاه‌های فقیهان مذاهب بزرگ اسلامی مرور و تحلیل شود؛ زیرا در نتیجه پژوهش حاضر تأثیر خواهد داشت.

۱. دیدگاه فقهای امامیه

دیدگاه فقیهان شیعه را درباره اینکه سهم «تألیف قلوب» شامل کدام دسته از افراد می‌شود، به طور کلی می‌توان در سه دسته جای داد:

الف) غیر مسلمانان (کفار)؛ «شیخ مفید»، «شیخ طوسی» و «میرزای قمی» از مشهورترین قائلین به این نظریه‌اند (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۲۴۱؛ طوسی ۱۴۰۰ ق، ص ۱۸۵؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۳۶).

ب) مسلمانان ضعیف العقیده؛ مرحوم «بحرانی» این نظر را تقویت می‌کند که تألیف قلوب اختصاص به مسلمانانی دارد که با پرداخت سهمی از زکات، در ایمان و اعتقاد خود پایدار می‌مانند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۱۷۵).

ج) عمومیت تألیف قلوب؛ مطابق این نظر، عنوان تألیف قلوب عام بوده و شامل مسلمان و غیر مسلمان هر دو خواهد بود. این قول در میان فقهاء؛ اعم از فقهای امامیه و اهل سنت طرفداران بیشتری دارد. از میان فقیهان شیعه «شهید اول» و «شهید ثانی» بر این نظرند. از نظر این دو فقیه، مؤلفه القلوب از کفار، کسانی هستند که برای جلب آنان به جهاد و مبارزه، سهمی منظور می‌شود و مؤلفه القلوب از مسلمانان چهار دسته‌اند:

۱. مسلمانان صاحب نفوذی که نسبت به اسلام حسن نیت دارند و در آن ثابت هستند، ولی افرادی همسان خود از مشرکین سراغ دارند که چنانچه سهمی از زکات به آنان پردازند، به اسلام ترغیب می‌شوند.

۲. مسلمانانی که عقیده و ایمانشان به اسلام ضعیف است و با دریافت زکات تقویت می‌شوند.

۳. مسلمانانی که در نزدیک مرزها سکونت دارند و چنانچه سهمی از زکات دریافت دارند، مانع تعرض کافران به مرزها می‌شوند یا آنان را به اسلام ترغیب می‌کنند.

۴. مسلمانانی که همجوار با کسانی هستند که زکات به ایشان تعلق می‌گیرد و پرداخت سهمی از زکات به آنان موجب می‌شود که خود زکات را گرد آورند و به امام برسانند و دیگر به عاملان نیازی نباشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۶؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۸۳؛ حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۰۵). همچنین «محقق حلی» و «علامه حلی» و از میان متأخران از فقیهان شیعه «صاحب جواهر»، «آقا ضیاءالدین عراقی»، «سید کاظم یزدی»، «سید ابوالقاسم خویی» و «امام خمینی» معتقدند که تألیف قلوب عمومیت دارد و شامل مسلمان و غیر مسلمان است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۳۳۹؛ عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۲؛ حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۷۳؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۰۰؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ امام خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۳۶). بدین ترتیب، بیشتر فقیهان امامیه قائل به تعمیم‌اند و دیدگاه شیخ طوسی و شیخ مفید و میرزای قمی مبنی بر اختصاص مؤلفه قلوبهم به کفار، نظر اقلیت است.

۲. دیدگاه فقیهان عامه

بیشتر فقیهان اهل سنت قائل به عمومیت افراد در تألیف قلوب هستند. از نظر «قرطبی» تألیف قلوب یافتگان صدر اسلام، اسلام آورده‌هایی بودند که در ایمان و اعتقاد سست و ضعیف بودند. کفار نیز سه دسته‌اند: اول، گروهی که با اقامه برهان و دلیل اسلام می‌آورند، دوم، آنان که با زور و غلبه، مسلمان می‌شوند و سوم آنان که با احسان، مسلمان می‌شوند. تشخیص این موارد با امام مسلمین است (قرطبی،

۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۱۷۸). صاحب «بدائع الصنائع» می‌گوید «مؤلفه قلوبهم» تنی چند از بزرگان قریش و عرب بودند که پیامبر ﷺ سهمی از صدقات را به آنان داد تا در مورد آنها نسبت به مسلمانان طیب خاطر پیدا کند و آنان نیز اسلام را بپذیرند و پیروان و اتباع خود را به پیروی از خودشان تشویق کنند. همچنین از این سهم پیامبر ﷺ برای آنان که اسلام نیکویی نداشتند استفاده کرد تا اسلام آنان نیکو شود (کاشانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۴-۴۵).

بیشتر فقیهان اهل سنت بر آنند که تألیف قلوب شامل مسلمانان و غیر مسلمانان هر دو است. حنابله نیز با توسعه در تعریف «مؤلفه قلوبهم» بر همین نظر هستند (غفیلی، ۱۴۳۰ق، ص ۳۹۵). «مرداوی» در «الإنصاف» تعدادی را در ردیف تألیف قلوب قرار می‌دهد:

سران طوایف با نفوذ که امید می‌رود اسلام آورند و یا بیم از آنان می‌رود که شر رسانند و آنان که با بخشش، ایمانشان قوت می‌گیرد و یا همپیمانان آنان اسلام می‌آورند و یا امکان جمع‌آوری زکات از آنان که زکات نمی‌دهند فراهم می‌آید و یا از مسلمین دفاع می‌کنند^۵ (مرداوی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۶۲).

بر این اساس، بیشتر فقیهان اهل سنت قائل به آنند که افراد مورد نظر در تألیف قلوب، شامل مسلمانان و غیر مسلمانان هر دو بوده است و از این نظر دیدگاه‌های همه فقه‌های اسلامی به یکدیگر نزدیک است. لکن اختلاف نظر اساسی در دامنه شمول این حکم از نقطه نظر زمان است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

قلمرو تألیف قلوب از حیث زمان

در اینکه آیا احکام و آثار تألیف قلوب اختصاص به عصر رسالت پیامبر اکرم ﷺ داشته و یا پس از آن حضرت نیز جاری است، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی قائلند حکم مؤلفه القلوب اختصاص به زمان پیامبر ﷺ داشته و پس از آن حضرت، نسخ شده

است. در مقابل، گروهی دیگر ادعای نسخ را ناکافی دانسته و بر این عقیده‌اند آنچه در زمان پیامبر ۹ عمل می‌شده همچنان استمرار داشته و نسخ نشده است. از آنجا که انتخاب هر یک از این دو نظر در نتیجه و کاربست مفهوم تألیف قلوب در زمان معاصر مؤثر است، لازم است از منظر تطبیقی، دیدگاه‌های فقیهان اسلامی در این موضوع بررسی شود.

۱. دیدگاه فقهای امامیه

بیشتر فقهای امامیه قائلند که حکم تألیف قلوب بعد از رحلت پیامبر ۹ استمرار داشته و به قوت خود باقی است؛ زیرا این حکم در عصر آن حضرت وجود داشته و تا واپسین لحظات عمر شریفشان هیچ سخنی پیرامون نسخ این حکم نرسیده است. در سیره عملی و گفتاری امامان شیعه نیز استمرار این حکم تأیید شده است. از این رو، فقیهان بسیاری بر استمرار این حکم و مقطعی نبودن آن تصریح دارند (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۱۷۹؛ عراقی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۲؛ امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۳۶). محقق حلی تصریح می‌کند: «الظاهر بقاء حکم المؤلفه و انه لم یسقط لأن النبی ۹ کان یعتمده الی حین وفاته و لا نسخ بعده» (حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۷۴). زیدیه با شیعه جعفری هم عقیده است (زحیلی، ۲۰۱۲، ج ۳، ص ۲۵).

در زمان کنونی و غیبت کبری نیز اغلب قریب به اتفاق فقهای امامیه قائل به استمرار حکم تألیف قلوب هستند که اگر زمینه اجرای آن وجود داشته باشد، حکم آن همچنان باقی است (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۱۷۹؛ امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۳۶؛ حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۷۴؛ عراقی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۲). البته تنی چند از فقیهان گذشته؛ مانند شیخ صدوق و شیخ طوسی قائل به اجرای این حکم در زمان حضور امام معصوم ۷ هستند و آن را در عصر غیبت تعطیل می‌دانند. دلیل این دو فقیه آن است که تألیف قلوب برای تشویق در امر جهاد است و جهاد در مفهوم خاص آن؛ یعنی جهاد ابتدایی، موکول به زمان حضور امام معصوم ۷ است که در عصر غیبت تعطیل است. از این رو، اختصاص سهمی برای جهاد از باب تألیف قلوب منتفی خواهد

بود (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۸۵)، اما اگر در عصر غیبت به هدف دفاع از سرزمین‌های اسلامی کمک مالی می‌تواند عده‌ای را برای کمک و حمایت تشویق کند، در آن صورت از باب دفاع منعی برای پرداخت وجود ندارد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۱۷۸). در هر صورت، از نظر بیشتر فقیهان شیعه حکم تألیف قلوب از عصر رسالت تا کنون استمرار داشته و در اختیار امام مسلمین و حاکم اسلامی است که بر حسب شرایط زمان از این حکم به نفع جامعه اسلامی بهره‌گیرد. اما آن دسته از فقیهان که جهاد ابتدایی را در عصر غیبت تعطیل می‌دانند، به تبع آن پرداخت سهمی از زکات را برای جهاد ابتدایی از عنوان تألیف قلوب منتفی می‌دانند. بدیهی است استفاده از زکات در شرایط دفاعی از عناوین دیگر، مانند فی سبیل الله خواهد بود.

۲. دیدگاه فقهای عامه

دیدگاه فقهای اهل سنت پیرامون حکم فقهی مصرف زکات در قالب تألیف قلوب، پس از پیامبر ۹ را می‌توان در سه دسته جای داد:

۱. جواز و استمرار این حکم برای مسلم و غیر مسلم (حنابله و یک نظر در مالکیه).
۲. عدم جواز؛ نه برای مسلم و نه غیر مسلم (حنفیه، شافعیه در یک نظر).
۳. جواز برای مسلم و عدم جواز برای غیر مسلم (مالکیه و یک نظر در شافعیه) (غفیلی، ۱۴۳۰ق، ص ۳۹۸-۳۹۷).

از نظر «ابوحنیفه» سهم تألیف قلوب ساقط شده است. «ابن نجیم مصری» از عالمان حنفی، در «البحر الرائق» دو دلیل در فقه حنفی بر سقوط سهم تألیف قلوب، پس از رحلت پیامبر ۹ ارائه می‌کند. نخست، اجماع صحابه و اینکه وقتی «عمر» این سهم را قطع کرد، صحابه آن را انکار نکردند. دوم، پرداخت سهمی از زکات، مربوط به آن زمانی بود که اسلام نیاز به جذب نیرو داشت. اینک با غلبه اسلام و توسعه آن، این نیاز برداشته شد و دیگر به تألیف قلوب نیازی نیست (ابن نجیم، بی تا، ج ۶، ص ۵۷؛ غفیلی، ۱۴۳۰ق، ص ۴۰۱).

از نظر مالکیه نیز این سهم ساقط است و حکم مذکور در آیه ۶۰ سوره توبه نسخه

شده است. نویسنده کتاب «ارشاد السالک» که پیرو فقه مالکی است، تصریح می‌کند هدف از سهم زکات، تألیف قلوب، جلب ائتلاف آنان و تقویت ایمان و جلوگیری از آزار و اذیت نسبت به مسلمین بود که امروزه این هدف با توسعه اسلام و کثرت مسلمانان ساقط است (بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۶۷؛ غفیلی، ۱۴۳۰ق، ص ۴۰۴).

در فقه شافعی دو نظر وجود دارد. مطابق یک نظر این سهم ساقط است و در نظر دیگر چنانچه مصلحت ایجاب نماید، این سهم قابل پرداخت است. در کتاب «المهذب فی فقه الإمام الشافعی» آمده است که پیامبر ۹ از این سهم به دیگران داده است، اما آیا پس از آن حضرت نیز این حکم باقی است، دو قول است: نخست، این حکم استمرار دارد و همچنان پرداخت می‌شود؛ زیرا هدف و مقصود آن حکم نیز ممکن است پس از پیامبر وجود داشته باشد. دوم، اینکه قابل پرداخت نیست؛ زیرا خلفای پس از پیامبر ۹ از پرداخت این سهم خودداری کردند و عمر گفت ما چیزی به زیان اسلام پرداخت نمی‌کنیم، هر آنکه خواهد ایمان آورد و یا کافر باشد. آنجا که قابل پرداخت است از باب زکات نیست؛ زیرا کافر حقی در زکات ندارد. اگر بناست پرداخت شود از سهم مصالح پرداخت می‌شود (شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۷۲؛ غفیلی، ۱۴۳۰ق، ص ۴۰۵). نویسنده «فقه الزکاة» ضمن نقد احناف و مالکیه می‌گوید: اولاً سهم تألیف قلوب نسخ نشده و فعل عمر نیز نمی‌تواند کمترین دلیلی بر نسخ باشد؛ زیرا او این سهم را از کسانی دریغ داشت که پیامبر ۹ به آنان می‌پرداخت. نسخ، ابطال حکمی است که شارع و خداوند آن را تشریح کرده و ابطال آن نیز در اختیار تشریح‌کننده آن است و نه غیر او. تشریح‌کننده این حکم، خداوند است که به واسطه پیامبرش انجام داده است و لذا نسخ، فقط در دوران پیامبر ۹ و توسط او ممکن است و نه در عصر صحابه. تا زمان رحلت پیامبر ۹ هیچ آیه‌ای حکم تألیف قلوب را نسخ نکرده است و به این حکم تا واپسین روزهای عمر آن حضرت عمل می‌شد. این عمر بود که آن سهم را به دلیل آنکه دیگر نیازی به آن نبود، قطع کرد، ولی آیه نسخ نشده است. وانگهی اعطای سهمی از زکات برای تألیف قلوب افراد و اقوام، به امید کمک به ما نیست، بلکه مقصود، ترغیب دیگران به دین اسلام و نجات آنان است. از این رو، پیامبر ۹ پس از

فتح مکه و در اوج پیروزی و عزت اسلام و مسلمین، افراد و اقوام و قبایل را تألیف قلوب کرد، ولی برخی از خلفا در زمان خود، موردی برای اجرای این سهم نیافتند. بر این اساس، تألیف قلوب امری است که به صلاحدید حاکم واگذار شده است تا بر اساس مصلحت اسلام و مسلمانان و مقتضای زمان عمل کند (قرضاوی، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۶۰۴-۶۰۱).

مورخان نقل می‌کنند پس از رحلت پیامبر ﷺ تعدادی از افراد با در دست داشتن متنی سراغ خلیفه اول «ابوبکر» آمدند تا سهم خود را به عنوان مؤلفه قلوبهم که در زمان پیامبر ﷺ دریافت می‌کردند از خلیفه نیز دریافت کنند. ابوبکر آن را تأیید کرد و آنان برای دریافت سهم خود نزد عمر آمدند، ولی عمر آن متن را پاره کرد و گفت ما دیگر به شما نیازی نداریم و شما باید بین اسلام و شمشیر یکی را برگزینید. آنان مجدداً نزد ابوبکر آمدند و ماجرا را نقل کردند و گفتند خلیفه تویی یا عمر؟! (قرضاوی، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۶۰۰؛ شرف‌الدین، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴؛ کاشانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۵). برخی مصادر اهل سنت آورده‌اند: در عصر پیامبر ﷺ پرداخت از باب تألیف قلوب وجود داشت، ولی بعد از جانشینی ابوبکر، سهم تألیف قلوب و رشوه قطع شد (سیوطی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۵۲؛ جصاص، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۶۱). این سهم در عصر پیامبر و رسالت، براساس مبنای قرآنی آن تألیف قلوب نام داشت و مجاز بود و تلقی آن به رشوه پس از عصر رسالت با اصول و حیانی و اخلاقی رسالت نبوی ناسازگار است؛ زیرا رشوه برای اهداف مادی و منفعت شخصی دنیوی پرداخت می‌شود و همسان دانستن «تألیف قلوب» و رشوه به مثابه همسان دانستن رسالت با سلطنت است.

به نظر خلیفه دوم سهم تألیف قلوب زمانی کاربرد داشته است که مسلمانان در ضعف بوده‌اند و پیامبر ﷺ با پرداخت سهمی از زکات از شر آنان جلوگیری می‌کرده است، اما امروز که اسلام قوت یافته است، پرداخت سهمی از بیت‌المال به هدف جلوگیری از دشمنی و تهاجم دشمن وجهی ندارد.

مرحوم «شرف‌الدین» ضمن رد این استدلال، منحصر دانستن آیه تألیف قلوب را بر یک زمان خاص و حذف آن در زمان دیگر را بر خلاف اصول و قواعد فنی دانسته و بر

استمرار مفهوم قرآنی تألیف قلوب برای همه اعصار تأکید دارد. وی با استناد به سنت پیامبر ۹ تألیف قلوب را منحصر در جنگ و دفع شر نمی‌داند، بلکه مواردی را معرفی می‌کند که آن حضرت گاه برای اسلام آوردن برخی افراد به هدیه و عطیه متوسل شده است و گاه برای تقویت ایمان اسلام آوردگان نیز از این روش استفاده کرده است و پاره‌ای موارد نیز برای دفع شر، مبالغی پرداخت کرده است. بنابراین، امروزه برای تثبیت ایمان اسلام آوردگان و یا برای توجه به اسلام نیز می‌توان از این روش بهره گرفت. وی همچنین به روش برخی دول غربی از جمله آمریکا و بریتانیا اشاره می‌کند که امروزه با برنامه‌های حمایتی خود از طریق پروژه‌های توسعه و کمک‌های بلاعوض بشردوستانه در واقع به این دستور قرآنی عمل می‌کنند و می‌خواهند از این طریق، دریافت‌کنندگان را با خود همراه و هم‌دل کنند (شرف الدین، ۱۴۰۴ق، ص ۴۶-۴۳).

بنابراین، نتیجه آن است که اولاً: مطابق آرای فقهای عامه و امامیه، تألیف قلوب از نظر دامنه شمول افراد آن، عمومیت دارد و شامل دسته‌های مسلمان و غیر مسلمان هر دو خواهد بود. ثانیاً: از نظر زمان، این حکم از عصر رسالت آغاز شده و در نظر بیشتر فقیهان مسلمان، حکم آن اختصاص به زمان پیامبر نداشته و پس از آن حضرت نیز استمرار داشته است و قول به نسخ سهم مؤلفه القلوب پذیرفتنی نیست. اساساً اجرای این حکم منوط به صلاح‌دید امام و حاکم اسلامی است و امروزه دولت‌ها در این باره عمل می‌کنند (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۵۴؛ زحیلی، ۲۰۱۲م، ج ۳، ص ۲۷؛ قرضاوی، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۵۹۴).

حال که سهم تألیف قلوب از منابع مالی اسلامی زکات تأمین می‌شود و مصرف آن نیز به صلاح‌دید امام و حاکم اسلامی واگذار شده است، جا دارد در وضعیت کنونی چگونگی عمل به این حکم، مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا امروزه بسیاری از دولت‌های اسلامی در امور مالی و اقتصادی خود به زکات اهمیت نمی‌دهند و یا در آن دخالت نمی‌کنند که البته بررسی ابعاد آن، هدف این تحقیق نیست، ولی همانگونه که بسیاری از فقیهان تصریح نمودند، در پیش‌بینی زکات، دو هدف اساسی نهفته است: رفع نیاز مسلمانان و کمک به تقویت و عزت اسلام (زحیلی، ۲۰۱۲م، ج ۳، ص ۲۶؛ غفیلی،

۱۴۳۰ق، ص ۴۰۶؛ مروارید، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۰۲). اکنون باید این موضوع را بررسی کرد که دول اسلامی چگونه می‌توانند از این ظرفیت مالی اسلامی بهره‌گیرند.

تألیف قلوب در وضعیت کنونی

چنانکه از سیر تاریخی تأسیس این نهاد مالی در اسلام به خوبی پیداست، اساساً این نهاد در جهت تقویت اسلام و دفاع از مسلمین در حوزه جنگ و صلح عمل کرده است. از این رو، در روزهای پس از رحلت پیامبر ۹ برخی از خلفا پرداخت این سهم را به دلیل آن که مسلمانان قوت گرفته‌اند تعطیل کرده‌اند. برخی نیز این تعطیلی را موقت دانسته‌اند، نه حکمی دائمی. مع‌الوصف از آنجا که در نظر بیشتر فقیهان عامه و خاصه تألیف قلوب در هر عصری در جهت تقویت اسلام قابل تطبیق است، بنابراین، موارد زیر را می‌توان زمینه‌های کاربست تألیف قلوب در زمان حاضر به شمار آورد.

الف) سیاست‌های پیشگیرانه و تقویت صلح

در تاریخ اسلام، از روش «تألیف قلوب» در هر دو وضعیت جنگ و صلح استفاده شده است. لذا بسیاری از آثار فقهی بر استفاده از این روش به هدف جلب نظر و مشارکت در جهاد تصریح دارند (قمی، بی‌تا، ص ۱۴۲). از آنجا که امروزه مطابق مقررات بین‌المللی جنگ ممنوع است و تنها در شرایط دفاعی و یا اقدامات جمعی می‌توان به زور متوسل شد، لذا تألیف قلوب نیز اساساً باید در جهت‌های صلح‌آمیز و تقویت آن هدف‌گذاری شود که البته اساس آموزه‌های اسلامی نیز بر همین بوده است. بویژه در وضعیت کنونی که دشمنان اسلام به اختلاف میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی دامن می‌زنند و آتش آن را شعله‌ور می‌کنند، همدلی میان همکیشان و آحاد مسلمین یک ضرورت لازم و حیاتی است. تردیدی نیست حکم اولی بر حرمت جنگ میان دو مسلمان و وجوب برقراری صلح میان آن دو است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» (حجرات (۴۹): ۹) و چنانچه با استفاده از ابزار تألیف قلوب، فرصت‌های همدلی میان مسلمانان تحکیم و تقویت گردد و در نتیجه آن از زمینه‌های بروز جنگ و مخاصمات جلوگیری شود، در آن صورت صرف بودجه دول اسلامی به این هدف یک

تعهد است؛ زیرا بسیاری از مخاصمات، در گذشته و امروز، ناشی از بی‌عدالتی‌های اقتصادی، فاصله شدید طبقاتی و پدیده فقر و نابرابری‌ها است. کمک‌های بلاعوض، اعطای وام برای مشارکت در برنامه‌های عمرانی و ایجاد اشتغال و کاستن از فاصله‌ها، نوعی سیاست‌های پیشگیرانه در جلوگیری از جنگ از یک سو و تقویت ظرفیت‌های صلح آمیز و روابط دوستانه از سوی دیگر است. بسی جای تأسف دارد که بزرگترین خریداران سلاح‌های جهان، برخی از کشورهای مهم و ثروتمند اسلامی هستند. این سلاح‌ها نیز به سوی خود مسلمانان هدف‌گیری شده است. این در حالی است که بیشتر مناطق آرام جهان، کشورهایی هستند که در فهرست فروشندگان و خریداران عمده سلاح قرار ندارند، بلکه اولویت بودجه عمومی برای فعالیت‌های اقتصادی و رفاه عمومی است که در جای خود پیشگیری از مخاصمات داخلی و منطقه‌ای است. فلسفه «تألیف قلوب» را می‌توان نوعی سیاست پیشگیرانه و درازمدت در جهت تقویت صلح دانست. اکنون یک ضرورت است که با بازگشت به اهداف نهادهای اسلامی مانند تألیف قلوب از ظرفیت‌های آن برای تقویت و عزت جوامع اسلامی و در جهت صلح و آرامش بهره گرفت.

ب) حمایت و پشتیبانی علمی از مؤسسات و سازمان‌های اسلامی مردم‌نهاد

امروزه تردیدی در نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتقای دانش و آگاهی‌های عموم وجود ندارد. در جوامع پیچیده و به‌هم‌تنیده کنونی، نهادهای مردم‌نهاد ظرفیت‌هایی هستند که می‌توان از آنها در جهت اهداف عالی‌ه اسلامی و رشد همدلی میان مسلمانان بهره گرفت. مطابق گزارش سازمان همکاری اسلامی، نزدیک به یک چهارم از جمعیت مسلمانان (حدود ۴۵۰ میلیون نفر) در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند. نسل‌هایی از مسلمانان که در کشورهای غیر اسلامی؛ مانند اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند، نیازمند آشنایی با معارف اسلامی و مکتبی هستند.

تأسیس نهادهای مردمی مطابق مقررات محلی، گامی مهم در ادغام و همکاری و نیز مطالبه حقوق شناخته‌شده آنان خواهد بود. این نوع اقدامات، گامی سنجیده در تألیف

قلوب است که تهمت تروریسم و مانند آن را از مسلمانان دور می‌کند و زمینه ادغام را در جوامع محل زندگی فراهم می‌آورد. بسیاری از غیر مسلمانان مایلند با اسلام آشنا شوند؛ بی‌آنکه خصومتی با این دین داشته باشند، آشناساختن این دسته افراد با معارف اسلامی، خود یکی از مصادیق روشن تألیف قلوب است؛ زیرا امروزه از طریق رسانه‌ها بر درک جمعیت یک کشور از دیگر جوامع از راه پخش اخبار و مانند آن برای تأثیرگذاری بر جمعیت استفاده می‌شود. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و با شیوع اسلام‌هراسی بسیاری از رسانه‌های غربی، مسلمانان را تروریست‌های بالقوه معرفی کردند که این فشارها باعث شد تعدادی از مسلمانان برای اجتناب از برخورد‌های تبعیض‌آمیز، نام خود را تغییر دهند (Asani, 2003, P.50) و برخی کشورهای غربی نیز به صورت خزنده و با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی، تلاش کردند تا از طریق تهیه و پخش فیلم‌ها و برنامه‌های ضد اسلامی مخاطبان آنها تصویری منفی از اسلام و مسلمانان دریافت کنند. بدیهی است مقابله منطقی با پدیده اسلام‌هراسی، نیازمند پشتیبانی و تقویت فعالیت‌های علمی و فرهنگی است.

بسیاری از کنفرانس‌ها امروزه با تشریفات سیاسی برگزار می‌شود و سهم مقالات علمی آن اندک است. میزان پژوهش‌های اسلامی در مراکز علمی وابسته به جهان غرب رو به افزایش است و معدودی از کشورهای اسلامی در این باره سرمایه‌گذاری می‌کنند. حضور مسلمانان در مناطق مختلف جهان و مواجه شدن با تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، پرسش‌هایی را برای آنان و برای غیر مسلمانان به وجود آورده است که نیازمند عطف توجه مراکز علمی و پژوهشی است. «تألیف قلوب» منحصر در پرداخت‌های نقدی و مادی نیست، بلکه حمایت از خلق آثار علمی و برگزاری نشست‌های علمی به هدف تقویت باورهای ایمانی مسلمانان در مناطق مختلف جهان و جست‌وجوی راه‌های تعامل و مقابله با اسلام‌هراسی، استفاده مناسب از ظرفیت این تأسیس هدفمند در شرایط کنونی است.

اگر سهمی از کمک‌های دولت‌های اسلامی در جهت خلق آن دسته از آثار علمی تقریبی بکار رود که مسلمانان یکدیگر را تکفیر نکنند و بر اصول مشترک تأکید کنند،

گام بزرگی در جهت تقویت اسلام برداشته شده است. این وظیفه بر دوش سازمان همکاری اسلامی به طور کلی و بر دوش سازمان علمی - فرهنگی و آموزشی اسلامی (آیسیکو) به طور مشخص، سنگینی می‌کند که رسالت آموزشی و علمی دارد.

ج) دعوت و تبلیغ اسلامی

تبلیغ و دعوت اسلامی برای افراد، واجب کفایی است (عبدالباقی، ۱۹۹۰م، ص ۱۹۶) و برای دولت اسلامی یک وظیفه بین‌المللی است (زحیلی، ۲۰۰۲م، ج ۸، ص ۶۴۰۵، ۶۴۲۶ و ۶۲۹۹). نامه‌های پیامبر اکرم ﷺ به سران جهان معاصر، خود دلیل قاطع و روشنی بر اهمیت بین‌المللی دعوت اسلامی است (مهیری، ۱۹۹۵م، ص ۱۱۴-۱۱۲). دعوت در اسلام را دو نوع دانسته‌اند: دعوت با «بنان» (انگشتان و جنگ) و «بیان» (زبان و تبلیغ)، دومی آسان‌تر است و اولی مخاطرات جانی و مالی دارد، ولی مقصود با هر کدام حاصل آید، باید از همان آغاز کرد (کاشانی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۰۰). اساساً دعوت اسلامی، تلاش علمی و فرهنگی است و در سایه همین تلاش، آثار علمی بسیاری آفریده شده است. مهمترین عامل انتشار فرهنگ اسلامی، نه توسل به زور، بلکه از راه دعوت و تبلیغ بوده است (همان، ص ۴۳۳-۴۳۲).

از آنجا که در سال‌های آغازین اسلام، صنعت نشر و چاپ کتاب شناخته شده نبود و ابزارهای ارتباطی و مواصلاتی؛ اعم از دیداری و شنیداری بسان امروز برای تبلیغ و دعوت اسلامی فراهم نبود جنگ و فتوحات، یکی از ابزارهای تبلیغی در شکل جهانی آن به شمار می‌آمد، اما اکنون روش‌های توسل به زور منسوخ، بلکه ممنوع شده است. بنابراین، روشهای تبلیغ و دعوت، منحصر در شیوه‌های مسالمت‌آمیز است که در زبان قرآن از آن به اتخاذ «روش حکیمانه»، «موعظه حسنه» و «مجادله به احسن» به عنوان شیوه‌های تبلیغ اسلامی یاد شده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (نحل (۱۶): ۱۲۵).

استفاده از ظرفیت سهم تألیف قلوب در جهت دعوت اسلامی را می‌توان یکی از فرصت‌هایی دانست که در جهت تقویت ایمان مسلمانان بکار گرفته می‌شود؛ زیرا بیشتر

فقیهان مسلمان استفاده از سهم تألیف قلوب را برای تقویت باورهای اسلامی پذیرفته‌اند. مسأله‌ای که در عصر حاضر اهمیت دارد نحوه تبلیغ و دعوت اسلامی است. عصر تحول در فناوری و رسانه‌ها روش‌های سنتی تبلیغ و دعوت را دگرگون کرده است. بنابراین، سمت‌دهی دعوت و تبلیغ با بکارگرفتن فناوری‌های نوین رسانه‌ای از قبیل چاپ کتب و مجلات علمی، کنفرانس‌ها و نشست‌های علمی به زبان‌های روز دنیا استفاده مناسب و بهینه از این ظرفیت مالی خواهد بود. به‌ویژه آنکه تصویر نادرستی که از اسلام به طور عام و برخی از مذاهب اسلامی به طور خاص ترسیم شده است، نیازمند حضور و پاسخگویی از همین طریق است. به دیگر سخن، تألیف قلوب را هم باید در جهت تبلیغ درست از اسلام بکار گرفت و هم در جهت خنثی‌ساختن تصویر نادرستی که از اسلام ارائه می‌شود و این در هر دو صورت، در جهت تقویت اسلام و کاستن از شکاف میان مسلمانان است که در تألیف قلوب هدف‌گذاری شده است. سازمان همکاری اسلامی، به دلیل اهمیت موضوع دعوت، قطعنامه‌های ویژه‌ای را به آن اختصاص داده است (OIC/SUM-11/2008/DW/RES/FINAL). این سازمان برای توسعه و پشتیبانی از تلاش‌های دعوت اسلامی، توسعه برنامه‌های آموزشی و گسترش آموزه‌های اسلام در نقاط مختلف جهان در چارچوب همکاری بین دولت‌ها و احترام به حاکمیت آنها بر موارد زیر تصریح دارد:

۱. توسعه گفت‌وگوی تمدنی میان گروه‌های مختلف امت اسلامی و افزایش آگاهی آنها به مسؤولیت‌های خود در رویارویی با چالش‌ها و توانمندسازی امت اسلامی در ایفای نقش تمدنی خود.

۲. برگزاری نشست‌های بیشتر در باره فرهنگ و دعوت اسلامی.^۷ همچنین در گزارش کارگروه مربوط به برنامه عمل ده ساله اول این سازمان در ۲۰۰۸ میلادی قاهره توصیه شده است که ائمه جماعات، وعاظ و مبلغان برای آشنایی با متدها و شیوه‌های تبلیغ و دعوت حکیمانه و مجادله احسن، در دوره‌های آموزشی شرکت کنند.^۸

با همه اهمیت دعوت اسلامی، لکن سایه افراط‌گرایی و تکفیر و یک‌جانبه‌گرایی

برخی از قرائت‌های مذهبی، به عنوان مانعی بر سر راه دعوت اصیل اسلامی سنگینی می‌کند. چنانچه سازمان همکاری در کارگروه‌های خود همگرایی و تعامل مذاهب اسلامی را تقویت کند، در آن صورت در مسیر درست دعوت اسلامی گام برداشته است.

د) کمک‌های بشردوستانه

یکی از فرصت‌های همدلی و تألیف قلوب در جهان معاصر، ارسال کمک‌های بشردوستانه در زمان جنگ و نیز به هنگام حوادث و بلایای طبیعی؛ مانند زلزله و سیل و مانند آن است. این فرصت انسان‌دوستانه در اسلام تشویق شده است. چنانچه از این طریق بتوان سهمی در کاستن از خصومت و یا زمینه برای بهبود زندگی مسلمانان در اینگونه مناطق به دست آورد، باید از این فرصت بهره برد. هدف این نوع کمک‌های انسان‌دوستانه علاوه بر آنکه کاهش آلام قربانیان اینگونه حوادث است، باید جلب نظر آنان برای همدلی با جوامع اسلامی در آینده باشد. حضور در اینگونه فرصت‌ها در اسلام؛ چه از طریق زکات و یا طریق دیگر برای رفع نیاز انسان‌ها و تقویت احترام به دین اسلام و نشان‌دادن ابعاد انسان‌دوستانه آن است (زحیلی، ۲۰۱۲م، ج ۲، ص ۲۹ و ۳۳-۳۲). بدیهی است اینگونه کمک‌ها باید در جهت منافع عمومی کشور اسلامی و به مقدار لازم انجام گیرد. انتخاب گزینشی اینگونه کمک‌ها و یا کمک به هدف دوستی میان سران و زمامداران دو کشور بر خلاف مصالح عمومی اسلامی است. از این‌روست که بر عنوان «فی سبیل‌الله» در اینگونه مساعدت‌ها تصریح می‌شود.

ه) مشارکت در طرح‌ها و کمک‌های اقتصادی

یکی از روش‌های امروزیین جلب همکاری و همراهی بین‌المللی، اعطای کمک‌های اقتصادی و مشارکت مالی در طرح‌های اقتصادی کشورها است. چنانچه سرمایه‌گذاری دولت اسلامی در یک کشور اسلامی و یا غیر اسلامی و یا اعطای کمک‌های بلاعوض بتواند در جلوگیری از زیان‌های بیشتر و یا جلب منافع بیشتر مؤثر باشد، بدون تردید این راهکار، اولویت خواهد داشت؛ زیرا در راستای همان هدفی خواهد بود که پیشتر در بیان فقهاء تصریح شده است. هدف اساسی زکات، عبارت از بستن راه‌های شکاف

میان مسلمانان و کمک به تقویت و عزت اسلام است. هر برنامه‌ای که در جهت این دو طرح انجام شود و در اثر آن همدلی با مسلمانان حاصل آید، در ردیف اهداف عالیه و مقاصد دین است. آنچه امروزه کمک‌های اقتصادی و یا مشارکت در طرح‌های ملی نام دارد در عصر رسالت شبیه پرداخت سهم مؤلفه القلوب به رؤسای قبایل بوده است؛ زیرا نظام قبیله - ملت محور «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات (۴۹): ۱۳) در گذشته، امروزه به نظام دولت ملت محور «Nation-State» تبدیل شده است. گرچه شکل اداره جمعیت‌ها تغییر یافته است، اما جست‌وجوی راه‌های همدلی و تألیف قلوب، همچنان میان ملت‌ها مفتوح است.

در خاتمه، خالی از فایده نیست که جمع‌بندی و نتیجه‌گفت‌وگوی فقهای کشورهای اسلامی در نشست مربوط به مسائل نوین زکات در موضوع «مؤلفه قلوبهم» را آنگونه که «زحیلی» در ملحقات کتاب «الفقه الاسلامی و ادلته» آورده است، یادآور شویم. این نشست با نظارت سازمان همکاری اسلامی در خصوص زکات برگزار شد. در خصوص سهم مؤلفه قلوبهم و برداشته‌های مربوط به آن و کاربرد آن در زمان معاصر، جمع‌بندی زیر از نشست سوم مربوط به زکات، قابل توجه است:

اولاً: مطابق نظر اکثر، مصرف مؤلفه قلوبهم از جمله تشریحات محکم اسلامی است که نسخی در آن صورت نگرفته است.

ثانیاً: مهمترین موارد مصرف این سهم عبارتند از:

- الف) همدلی فردی که امید می‌رود اسلام آورد به‌ویژه اگر دارای نظر و نفوذی است که نقش مهمی در تأمین منافع مسلمانان دارد؛
- ب) جلب محبت حکام و رؤسای صاحب‌نفوذ برای مشارکت‌دادن آنان در بهبود وضعیت اقلیت‌های مسلمان و کمک در حل مشکلات آنان؛
- ج) همدلی با دارندگان توانایی‌های فکری و اسلامی برای همراه‌شدن و کمک‌کردن به حل امور مسلمانان؛
- د) تشکیل مؤسسات علمی، اجتماعی در جهت تقویت باورهای اسلامی تازه‌مسلمانان و ایجاد فضای مناسب مادی و معنوی برای آنان.

ثالثاً: در مصرف این سهم لازم است موارد زیر رعایت شود:

الف) در هرگونه مصرف، اهداف و جهات مورد نظر دینی در نظر گرفته شود؛
ب) به مقداری که نیاز است، مصرف شود و به مصارف دیگر زیان نرساند؛
ج) دقت و احتیاط لازم به منظور اجتناب از پیآمدهای غیر قابل قبول شرعی به عمل آید. گاهی این گونه کمک‌ها عکس‌العمل منفی داشته و به زیان اسلام و مسلمانان منتهی می‌شود.

رابعاً: در مصرف این سهم، اولویت در بهره‌گرفتن از طرح‌ها، ابزار و وسایل نوینی است که بیشترین تأثیر را داشته و به اهداف و مقاصد شرع نزدیکتر و نافع‌تر است (زحیلی، ۲۰۱۲م، ج ۹، ص ۴۵۱-۴۵۰).

بر این اساس، این بر عهده دولت‌های اسلامی است که با برنامه‌ریزی و تعریف روشن، سهمی از بودجه عمومی را در جهت تقویت باورهای عمومی دینی و مکتبی مصرف کنند. این سهم، اختصاص به داخل یا خارج ندارد؛ چه‌بسا در مقطعی از زمان، ضرورت داخلی آن بیش از خارج باشد. در مناطقی از کشور که باورهای دینی و مکتبی در حال سست‌شدن است، اختصاص سهمی از زکات برای تقویت اسلام موجه است و چنانچه مصرف آن در خارج از مرزهای اسلامی به مصلحت باشد نیز منطقی و موجه است. اما اگر دولت‌های اسلامی مایل به دخالت در این امور نباشند و یا فاقد برنامه‌ای مشخص برای زکات و اختصاص بودجه برای عنوان تألیف قلوب باشند، در آن صورت مؤسسات و نهادهای دینی و مذهبی می‌توانند به میزان ظرفیت خود به تألیف قلوب غیر مسلمانان و تقویت ایمان مسلمانان اقدام کنند؛ چنانکه پیشتر بیان کردیم بسیاری از صور آن در گفت‌وگوهای میان مذاهب اسلامی به بحث گذاشته شد و چگونگی عمل به آن در وضعیت کنونی نیز پیشنهاد شد.

نتیجه‌گیری

«تألیف قلوب» مفهومی عام برای همدل‌شدن و همراه‌شدن با جامعه اسلامی از رهگذر حمایت‌های مالی است. در پرتو آیات قرآن و یافته‌های مذاهب مختلف فقهی

اسلامی می‌توان «تألیف قلوب» را ابزار و روشی پویا در جلب حمایت برای حفظ منافع و مصالح جامعه اسلامی و تقویت و پیشبرد اهداف آن دانست. از عصر رسالت پیامبر ۹ «مؤلفه القلوب»، غیر مسلمانان صاحب رأی و نفوذ هستند که در صورت برآوردن نیازهای مالی آنان، از بودجه اختصاصی زکات، سهمی قابل توجه در حفظ صلح و امنیت جوامع اسلامی ایفاء خواهند کرد و یا مسلمانانی هستند که با برآورده شدن نیازهای مادی آنان باورهای آنان تقویت خواهد شد. این حکم، عام بوده و شامل مسلمان و غیر مسلمان هر دو خواهد بود. همچنین از نظر زمان از عصر رسالت تا کنون استمرار داشته و نسخ نشده است.

اساس «تألیف قلوب» در نوع دوستی، حفظ امنیت جوامع و حمایت مالی از اقلشار آسیب‌پذیر است؛ زیرا همواره یکی از علل عمده بروز جنگ و منازعات، فقر و نیاز بوده است؛ چنانچه برآورده ساختن نیاز برخی جوامع و کمک‌های مالی به آنان، باعث رفع دشمنی‌ها و خاموش ساختن آتش کینه می‌شود، بی تردید، کاربست آن امری پسندیده است که در آموزه‌های اسلامی با گفتار و عملکرد پیشوایان دین همراه بوده است.

از نقش و عملکرد قابل توجه تألیف قلوب در جهت تحقق اهداف سیاسی و فرهنگی جوامع اسلامی در عصر ما نمی‌توان غافل بود. امروزه می‌توان از ظرفیت‌های مفهوم «تألیف قلوب» در پیشگیری از بروز جنگ و تقویت صلح، توسعه و پشتیبانی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی، تشکیل سازمان‌های اسلامی مردم‌نهاد، کمک‌های بشردوستانه و مشارکت در طرح‌های اقتصادی استفاده کرد. «تألیف قلوب»، آموزه‌ای در دین اسلام است که هدف اصلی آن پاشیدن بذر نوع دوستی و دروکردن صلح و امنیت، توسعه اقتصادی، علمی و فرهنگی برای جوامع اسلامی است. با بروز پدیده اسلام‌هراسی و حضور مسلمانان بسیار در کشورهای غیر اسلامی و نیز دامن‌زدن به اختلافات میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی و بروز پدیده افراطی‌گری و گروه‌های تکفیری، استفاده بهینه از ظرفیت‌های «تألیف قلوب» بیش از گذشته احساس می‌شود. این رسالت بر دوش سازمان همکاری اسلامی به‌ویژه سازمان تخصصی علمی، آموزشی و فرهنگی این سازمان؛ یعنی «آی‌سکو» بیشتر سنگینی می‌کند.

یادداشت‌ها

۱. هو لغة إيقاع الألف بين شيئين أو أكثر، و عرفاً مرادف التركيب و هو جعل الأشياء بحيث يطلق عليه اسم الواحد (محمدعلی تهانوی، *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، ج ۱، ص ۳۷۶؛ ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۱، ص ۱۲۰).

۲. «المؤلفة قلوبهم فهم الذين يؤلف قلوبهم بإعطاء سهم من الزكاة ليسلموا او يدفع بهم العدو او يستعان بهم على حوائج الدين» (سیدمحمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۹، ص ۳۲۱).

۳. «المؤلفة قلوبهم قومٌ وحَدُوا اللهَ وَ خَلَعُوا عِبَادَةَ مَنْ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللهِ وَ لَمْ تَدْخُلِ المَعْرِفَةُ قلوبَهُمْ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ وَ كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ يَتَأَلَّفُهُمْ وَ يَعْرِفُهُمْ لِكَيْمَا يَعْرِفُوا وَ يَعْلَمُهُمْ» (محمدبن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۱۰).

۴. عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا قَالَا لِأَبِي عَبْدِ الله 7 أَرَأَيْتَ قَوْلَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قلوبَهُمْ...» أ كُلُّ هَؤُلَاءِ يُعْطَى وَ إِنْ كَانَ لَا يَعْرِفُ فَقَالَ: «إِنَّ الْإِمَامَ يُعْطَى هَؤُلَاءِ جَمِيعًا لِأَنَّهُمْ يَقْرُونَ لَهُ بِالطَّاعَةِ [قَالَ: زُرَّارَةُ قُلْتُ: فَإِنْ كَانُوا لَا يَعْرِفُونَ فَقَالَ:] يَا زُرَّارَةُ لَوْ كَانَ يُعْطَى مَنْ يَعْرِفُ دُونَ مَنْ لَا يَعْرِفُ لَمْ يُوْجَدْ لَهَا مَوْضِعٌ وَ إِنْ مَا يُعْطَى مَنْ لَا يَعْرِفُ لِيُرْعَبَ فِي الدِّينِ فَيَثْبُتَ عَلَيْهِ... [ثُمَّ قَالَ:] سَهْمُ الْمُؤَلَّفَةِ قلوبَهُمْ وَ سَهْمُ الرِّقَابِ عَامٌّ وَ الْبَاقِي خَاصٌّ» (محمدبن علی صدوق، *من لا يحضره الفقيه*، ج ۲، ص ۵).

۵. «المؤلفة قلوبهم وهم السادة المطاعون في عشايرهم ممن يرجى إسلامه أو يخشى شره أو يرجى بعطيته قوة إيمانه أو إسلام نظيره أو جباية الزكاة ممن لا يعطيها أو الدفع عن المسلمين».

۶ مطابق گزارش مارس ۲۰۱۵ انستیتو پژوهش صلح بین المللی استکهلم سوئد که در باره خرید و فروش جهانی تسلیحات گزارش تهیه می‌کند، پنج کشور بزرگ صادرکننده سلاح در جهان عبارتند از: آمریکا، روسیه، چین، آلمان و فرانسه و پنج کشور بزرگ واردکننده سلاح عبارتند از: هند، عربستان سعودی، چین، امارات متحده عربی و پاکستان. هستند: (Pieter D, Wezeman and Siemon T, Wezeman, P.1 and 4).

7 See Also: OIC/CFM-36/2009/DAWA/DR.RES/FINAL/.

- تقرير و قرارات الشؤون الثقافية والإسلامية للمؤتمر الإسلامي الحادي والعشرين لوزراء الخارجية، قرار رقم ۲۱/۳۲ - ث. این اسناد از طریق تارنمای سازمان همکاری اسلامی در دسترس است <http://www.oic-oci.org>

8. OIC/JIA/DW-1/2008REP.DEC.Final, Theme III: Terrorism, extremism, violence and Islamophobia, Para. D.

منايع و مأخذ

١. قرآن كريم.
٢. ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، ج ١، قم: مكتب الأعلام الإسلامي، ١٤٠٤ق.
٣. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ١، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٤ق.
٤. ابن نجيم مصري، زين الدين بن ابراهيم، البحر الرائق في شرح كنز الدقائق، ج ٦، بي جا: بي نا، بي تا.
٥. امام خميني، سيد روح الله، تحرير الوسيلة، ج ١، قم: دار العلم، ١٤٠٩ق.
٦. بحراني، يوسف بن احمد بن ابراهيم، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ١٢، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤٠٥ق.
٧. بغدادي، عبدالرحمن شهاب الدين، ارشاد السالك، ج ١، بي جا: بي نا، بي تا.
٨. تهانوي، محمد علي، كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ١، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون، ١٩٩٦م.
٩. جصاص، ابوبكر احمد بن علي راضي، أحكام القرآن، تحقيق: عبدالسلام محمد علي شاهين، ج ٣، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
١٠. جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح، تحقيق: أحمد عبدالغفور العطار، ج ٤، بيروت: دارالعلم للملايين، الطبعة الرابعة، ١٤٠٧ق.
١١. حلي، حسن بن يوسف بن مطهر، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، ج ٣، قم: انتشارات اسلامي، ١٤١٣ق.
١٢. -----، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، تحقيق: الشيخ إبراهيم البهادري، إشراف: جعفر السبحاني، ج ١، قم: مؤسسة الإمام الصادق ٧، ١٤٢٠ق.
١٣. -----، تذكرة الفقهاء، ج ٩، قم: مؤسسة آل البيت، ١٤١٤ق.
١٤. حلي، نجم الدين جعفر بن حسن، المعتمد في شرح المختصر، تحت إشراف ناصر مكارم شيرازي، ج ٢، قم: مدرسة الامام امير المؤمنين ٧، ١٤٠٧ق.
١٥. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، قم: دارالقلم، ١٤١٢ق.
١٦. زبيدي، محب الدين ابى فيض السيد محمد مرتضى الحسين الواسطي، تاج العروس، تحقيق: على شيرى، ج ١٢، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٤ق.
١٧. زحيلي، وهبه، الفقه الاسلامي و ادلته، ج ٨، دمشق: دارالفكر، الطبعة الرابعة، ٢٠٠٢م.
١٨. -----، الفقه الاسلامي والقضايا المعاصرة، ج ٢، ٣، ٩، دمشق: دارالفكر، الطبعة الثالثة، ٢٠١٢م.

۱۹. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور، ج ۳، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، بی تا.
۲۰. شرف‌الدین، سیدعبدالحسین، النص والاجتهاد، تحقیق و تعلیق: أبو مجتبی، قم: مطبعة سيد الشهداء 7، ۱۴۰۴ق.
۲۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن احمد، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، تحقیق: سید محمد کلانتر، ج ۲، قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
۲۲. شیرازی، ابواسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف، المهدب فی فقه الإمام الشافعی، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۸ق.
۲۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۲۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
۲۶. عبدالباقی، نعمه، القانون الدولي العام، دراسة مقارنة بين الشريعة الاسلامية و القانون الوضعی، بیروت: دارالاضواء، ۱۹۹۰م.
۲۷. عراقی، آقاضیاءالدین، شرح تبصرة المتعلمین، تصحیح شیخ محمد حسون، ج ۳، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۲۸. غفیلی، عبدالله بن منصور، نوازل الزکاة، دراسة فقهية تاصيلية لمستجدات الزکاة، قطر: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، ۱۴۳۰ق.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۱، قم: نشر هجرت، ج ۲، ۱۴۱۰ق.
۳۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۵، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۳۱. قرضاوی، یوسف، فقه الزکاة دراسة مقارنة لاحكامها و فلسفتها فی ضوء القرآن و السنة، ج ۲، بیروت: مؤسسه الرسالة، الطبعة الثانية، ۱۳۹۳ق.
۳۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الأحكام القرآن، ج ۸، تهران: ناصر خسرو، ۱۴۰۵ق.
۳۳. قمی، علی بن محمد، جامع الخلاف و الوفاق، تحقیق: شیخ حسین حسینی بیرجندی، قم: انتشارات زمینه‌سازان ظهور، بی تا.
۳۴. کاشانی، ابوبکر، بدائع الصنائع، ج ۷، ۲، پاکستان: المكتبة الحبيبية، ۱۴۰۹ق.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۴، ۱۴۰۶ق.

٣٦. مرداوى، علاءالدين ابوالحسن على بن سليمان، **الإنصاف فى معرفة الراجح من الخلاف على مذهب الإمام احمد بن حنبل**، ج ٣، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤١٩ق.
٣٧. مرواريد، على اصغر، **النبايح الفقهية**، ج ٥، بيروت: الدار الإسلامية، ١٤١٠ق.
٣٨. مفيد، محمد بن محمد نعمان، **المقنعة فى الاصول و الفروع**، قم: انتشارات جامعه مدرسين حوزة علميه قم، ١٤١٠ق.
٣٩. مكارم شيرازى، ناصر و ديگران، **تفسير نمونه**، ج ٨، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٨٢.
٤٠. مهيرى، سعيد عبدالله حارب، **العلاقات الخارجية للدولة الاسلامية**، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٩٩٥م.
٤١. ميرزاى قمى، ابوالقاسم بن محمد، **غنائم الأيام فى مسائل الحلال و الحرام**، ج ٤، قم: بوستان كتاب، ١٤١٧ق.
٤٢. نجفى، محمد حسن، **جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام**، تصحيح عباس فوجانى، ج ١٥، تهران: دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٧.
٤٣. نراقى، ملا احمد، **مستند الشيعة فى احكام الشريعة**، ج ٩، قم: مؤسسة آل البيت : لاهياء التراث، ١٤١٦ق.
٤٤. يزدى، سيد محمد كاظم، **العروة الوثقى**، ج ٢، بيروت: مؤسسة الأعلمى، ١٤٠٩ق.
45. Asani, Ali S, A Muslim American Reflects on Pluralism and Islam, **Annals of the American Academy of Political and Social Science**, Vol, 588, July 2003.
46. OIC/SUM-11/2008/DW/RES/FINAL.
47. OIC/CFM-36/2009/DAWA/DR.RES/FINAL/.
- تقرير وقرارات الشؤون الثقافية والإسلامية للمؤتمر الإسلامى الحادى والعشرين لوزراء الخارجية، قرار رقم ٢١/٣٢ – ث از طريق تارنماى سازمان همكارى اسلامى در دسترس است. <http://www.oic-oci.org>
48. OIC/JIA/DW-1/2008REP.DEC.Final, Theme III: Terrorism, extremism, violence and Islamophobia, Para. D.
49. Pieter D, Wezeman and Siemon T, Wezeman, **fact sheet**, Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), March 2015.